

انجمن دوستداران فرهنگ ایران و ژاپن



日本・イラン文化友の会

## هفتمین همایش

۲۷ فوریه ۲۰۱۱

چگونه حکومت باشکوه "می جی" با درگیر شدن در "جنگ بزرگ شرق آسیا"

(The Great East Asian War) به سرانجامی فلاکت بار دچار شد.

سخنران: استاد نوبوهیکو ایواساکی- استاد افتخاری دانشگاه کوبه- جامعه شناس

偉大な「明治」はなぜ悲惨な「大東亜戦争」に行き着いたのか。

岩崎信彦 先生 神戸大学社会科学 名誉教授

## برگردان: جمشید جمشیدی

لازم به یادآوری است که متن اصلی لزومن بصورت جمله ها و پاراگراف های کامل تحریر نشده است. مطالب برخی به صورت تیتروار و منقطع و برخی فهرست وار نگاشته شده است، لذا در برگردان فارسی نیز سعی شده است متن عینن بازتاب داده شود تا اصالت مقاله حفظ گردد. تمام تصاویر و زیرنویس ها از مترجم است.

## چکیده:

۱ - ژاپن در قرن نوزدهم از طریق "اصلاحات می جی" (می جی ای شین)<sup>۱</sup> تنها کشور آسیائی بود که در راه مدرنیزاسیون قدم گذاشت و در صف کشورهای "سرمایه داری عقب مانده" در کنار آلمان، روسیه و غیره قرار گرفت.

۲ - "...عقب مانده" گی آن یکی به جهت عدم وجود دمکراسی بلکه انتخاب حکومت مطلق گرای امپراتوری بود. جنبش "آزادی طلبی ملت"<sup>۲</sup> سرکوب شد و دیوانسالاری و نظامی گری در کشور غلبه کرد.

۳ - علت دیگر "عقب مانده" گی نظام می جی شکل گیری نظام سرمایه داری از راه فشار حکومتی است که باعث شد تا در زمان کوتاهی "سرمایه داری انحصاری" بدست سرمایه دارن بزرگ تحقق بگیرد. طمع انحصار بازارهای خارج آن ها را دوش بدوش کشورهای "امپریالیستی"<sup>۳</sup> مجبور کرد تا به سرزمین های کره و چین تجاوز بکنند.

۴ - با وجود این که سیاست های "کشور ثروتمند و پر قدرت"<sup>۴</sup> (ثروتمند کردن و تقویت ارتش کشور) موفق شد تا از استعمار کشورهای غربی جلوگیری نماید ولی همزمان با اتخاذ سیاست های امپریالیستی از طرفی سبب فقر و افزایش فشار کار بر طبقه کشاورز

1 明治維新=Meiji-Ishin=Meiji Restoration

2 自由民権=jiyu-minken

3 帝國主義=tekokushugi

4 富国強兵=fukoku-kyouhei

و کارگر و پایمال شدن آزادی های مدنی مردم خود(فقیر کردن کشور) و نابودی سرزمین ها و جان مردم کشورهای آسیائی(نابودی جان بیش از ۱۰ میلیون انسان) گردید.

۵- ریشه حمایت مردم از حکومت "امپراتوری" را باید در رابطه ساختار باورهای مردم دانست که یکی پیروی از "گرایش روند طبیعی"<sup>۵</sup>- به هر طرف که باد آمد! جستجو کرد. ریشه چنین گرایش هائی در عادات زندگی "نظم طبیعی روستا- اتحادیه های روستائی" و سنت "ستایش ارواح رفته گان خود" بود .

اما در فرایند نظام "سرمایه داری" و شکل گیری شهرها و گسترش تقسیم بندی های اجتماعی این بار همان باورهای اصیل مردم در غالب "روستای ثانوی یا شهرها" که در کمیته های شهری و محلی، مدارس و غیره بازتاب یافت رژیم امپراتوری را حمایت کرد.

۶- با تشدید "شهرنشینی" و تقسیمات طبقاتی حتا باورهای "روستای ثانوی" هم با بحران مواجه شد و در فرایند معضلات اجتماعی مفهوم "طبیعی یا آنچه که سرنوشت باشد" به شکل "طمع طبیعی" جلوه گر شد و تقویت این طمع افراطی در مردم در نهایت به شکل سرکشی عریان آشکار شد(افت ساختار روانی I).

۷- رابطه ملت و امپراتور بر اساس باورهای عصر باستان که "ژاپن کشور خدایان" است و روح خدایان هم در امپراتور است(افت ساختار روانی II) شکل گرفت. حکومت یا ارتش با تقویت این باورها ملت را همگام به تجاوز و توسعه طلبی و در نهایت شریک "جنگ

---

<sup>5</sup> 自然觀念=shizen-kannen=naturalism

بزرگ شرق آسیا" کرد.

۸- با وجود این که ژاپن بعد از جنگ دوم جهانی به یک کشور دموکراتیک تبدیل شد ولی

در این که مردم تا چه اندازه از بلوغ روحی روانی نوین برخوردار شدند جای بحث دارد.

این که ژاپن در زمان کوتاهی بطور معجزه آسا به "توسعه اقتصادی بالائی"<sup>۶</sup> دست یافت

به جهت آرزوی داشتن یک "زندگی مرفح" به سبک آمریکائی یا به عبارتی نشان

از "طبیعت طمع" داشت که در نهایت منجر به ترکیدن حباب اقتصادی گردید.

۹- امروزه ژاپن با وضع "عصر انسداد" مواجه است. برای بازسازی آینده ژاپن باید به

ساختار اصلی روان مردم بازگشت و به کشف روش های ترمیم ضعف ها و احیای نقاط

قوت آن کمر بست.

آغاز سخن و طرح سوال:

۱- اما چرا باید حالا بحث "می جی" مطرح گردد؟

ژاپن مدرن پس از پیروزی "با شکوه" در جنگ با روسیه به "عصر انسداد"<sup>۷</sup> (۱۹۱۰)

وارد میشود (با نقل از تاکوبوکو ایشی کاوا<sup>۸</sup>). سپس با شعار "ژاپن کشور خدایان" در

جنگ فلاکت بار شرق آسیا و اقیانوس آرام شرکت میکند که بالغ بر بیش از ۱۰ میلیون

گشته بجای میگذارد (جانباختگان ژاپنی در این جنگ بالغ بر ۳ میلیون شد).

پس از جنگ جهانی دوم ژاپن سیاست توسعه اقتصادی بالائی را تحقق می بخشد ولی

6 高度成長 = koudoseicho

7 時代閉塞 = jidaiheisoku

8 石川啄木 = Takuboku Ishikawa (1886-1912) در رویه - ۲۱ تفسیر وی در مورد عصر انسداد می جی نقل شده است.

هم اکنون باز وارد "عصر انسداد" شده است. برای رهائی از این وضع ما باید از تجربیات "پیروزی" در مدرنیزاسیون و شکست های پیامد آن بیاموزیم.

۲- جامعه ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ظاهراً وارد یک فاز دموکراسی خواهی شده است. اگر قرار است ایران از تجربه تاریخ مدرنیزاسیون ژاپن (سنگی از این کوه به غنیمت برد، یا از آموزگار منفی) بیاموزد، آن چه چیزی خواهد بود؟

ژاپن عصر "می جی" با پیوند دادن سیاست و هژمونی مذهبی از راه استقرار "استبداد امپراتوری" روند "مدرنیزاسیون" را تحقق بخشید. در مراحل اولیه حکومت به پیروزی هائی دست یافت ولی در نهایت با بسیج روان ملت تحت ایده رادیکال مذهبی "ژاپن کشور خدایان" است و "امپراتور انسان خدائی"، وارد فاز "فاشیسم امپراتوری" گردید.

چه شباهتی بین پیوند سیاست با مذهب در حکومت ژاپن با وضع فعلی ایران وجود دارد؟

۱- چگونه ژاپن در بین کشورهای آسیائی در زمان کوتاهی "مدرنیزاسیون" را تحقق

### بخشید

ژاپن تنها کشوری آسیائی بود که توانست در سال ۱۸۶۸ از راه تحقق اصلاحات می جی به جاده "مدرنیزاسیون" قدم بگذارد. علل تجربه اصلاحات این دوران چیست؟



امپراتور جوان می جی (تصویر از مترجم است)

(۱) مهارت ژاپن در جذب فرهنگ پیشرفته خارجی ها،

موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی<sup>۹</sup>،

به جهت دور بودن چین و کشورهای دیگر ژاپن نمی توانست مورد تجاوز این

کشورها قرار گیرد، اما فرهنگ پیشرفته آن ها قابل انتقال بود.

باکوماتسو (آخرین حکومت ماقبل می جی) توانست از راه تماس با کشور هلند تا

حدودی دانش کشورهای غربی را جذب کند.

آمیزش حروف کانجی (زبان رسمی، میراث چین) با هیراگانا و کاتاگانا (حروف بومی

---

<sup>9</sup> geopolitical

ژاپنی) در زبان ژاپنی سبب تسهیل جذب فرهنگ بیگانه شد، و ژاپن در تلفیق این فرهنگ ها با فرهنگ بومی مقاومت نشان نداد.

(2) در حکومت ادوبا کوفو (نظام فئودالی قبل از می جی) تا اندازه ای تعلیم و تربیت نیروهای انسانی، قرارداد ها و استخدام ها فارغ از تبعیض صورت می گرفت که خود به ارتقاء درک اجتماعی مردم انجامیده بود.

رابطه مالک و کشاورز در این نظام فئودالی به مانند آن چه که در چین (بر پایه تشخیص و اشرافیت) رواج داشت نبود و بر اساس یک رابطه دوجانبه قراردادی استوار بود. برخلاف نظام فئودالی در اروپا که (زمین زراعی) در مناسبات اقتصادی مرکزیت داشت در نظام فئودالی ژاپن کشاورزان بدون زمین مجبور به پرداخت سهم تولید بصورت (خراج محصول برنج و غیره) به نظام متمرکز (همه سربفرمان مباشران توکوگاوا) بودند.

سامورائی (بوشی) در "مدارس استان" ها تحصیل میکردند ولی مردم عادی در "مکتب معابد".

(3) تشدید تضاد در نظام باکوهان (ملوک الطوائفی نظام قبل از می جی) و جنبش

اقشار مردم عادی و سامورائی های قشر پائین،

اساس نظام اقتصادی باکوفو با تجزیه اقشار کشاورزان و توسعه اقتصاد پولی تضعیف شد.

پیدایش قشر جدید ثروتمند کشاورز که به "صنایع کوچک کارخانه ای" روی آورد

و توسعه قدرت اقتصادی بازرگانان.

قیام کشاورزان، جنبش تخریبی مردم، "مدرنیزاسیون" استان های  
چوشوو(یاماگوچی)<sup>۱۰</sup>، ساتسوما(کاگوشیما)<sup>۱۱</sup>، هی زن(ساگا)<sup>۱۲</sup> و قدرت گیری قشر  
پائین سامورائی ها.

ظهور رهبران روشنفکر.

(4) خطر استعمار کشورهای غربی و هوشیاری نسبت به وضع "کشور محصور"  
شکل گیری روحیه "حذف خارجی"<sup>۱۳</sup> در بین مردم - a حذف غیر خودی در نظام  
فئودالی، b دفاع ملی یا وطن شیفتگی<sup>۱۴</sup>،

شکل گیری روحیه "شاه پرستی" - a احیای "خدای" ژاپن باستان، b اهرمی برای  
احیای استبداد،

کشورهای غربی چون مشغول درگیری بین خودشان بودند تنها قسمت کوچکی از  
ژاپن به مستعمره آن ها در آمد.

## 2- نظام فئودالی-استبدائی و نظام مدرن اصلاحی می جی

(1) بدون دمکراسی، اتخاذ مرام "یک نفر در مقابل خیل" یا انکار مردمسالاری  
استبداد فردی یا امپراتوری، استقرار استبداد از راه برقراری تعادل بین طبقه  
مالک فئودال و طبقه بورژوازی نوپا ممکن شد.

<sup>10</sup> 長州 (山口) = Choshu(Yamaguchi)

<sup>11</sup> 薩摩 (鹿児島) = Satsuma(Kagoshima)

<sup>12</sup> 肥前 (佐賀) = Hizen(Saga)

<sup>13</sup> 攘夷 = jou-i

<sup>14</sup> 愛国主義(aikokushugi)=Patriotism



برابری چهار طبقه سامورائی، کشاورز، صنعتگر و بازرگان. پیدایش طبقه "عادی نوین" و طبقه نُجبا.

تبدیل اربابان استان های ساتسوما و چوشو به "دیوانسالاران استان".

(۲) در راستای جهت سازی روحیه ملت اخلاق سامورائی یا اشاعه فلسفه کنفوسیوسی که تابعیت از مقام بالا در خانواده و اجتماع را تاکید میکند. نهادینه کردن این اخلاق در جامعه برای توجیه "تابعیت از امپراتور".

اعمال ایده های بالا در مدارس (سال ۵ می جی)، دستور عمل آموزشی و تاکید جایگاه امپراتور (برنامه بزرگ آموزشی) (سال ۷ می جی) و دیگر برنامه ها در جهت تکریم امپراتور.

(۳) غارت کشاورزان برای تحقق "کشور ثروتمند"، توسعه سرمایه داری از بالا بوسیله حکومت.

اصلاح قانون مالیات زمین (سال ۶ می جی) - مالکیت بر زمین آزاد شد و مالک باید ۳ درصد قیمت زمین را به عنوان مالیات پرداخت میکرد. در این برهه ۳۰ درصد زارعین بدون بودند و سهم زارع بیش از ۶۰ درصد محصول بود. حکومت از مالکین حمایت میکرد.

نمونه: مالیات زمین ۳۴ درصد، مالک زمین ۳۴ درصد، زارع بدون زمین ۳۲ درصد (در نظام باکوهان به ترتیب ۳۷ درصد، ۲۴ درصد، ۳۹ درصد)،

اصلاح نظام پستی، راه آهن (استفاده نظامی مد نظر بود)، مدیریت صنایع

نساچی، کارخانه های ادوات نظامی (واردات ماشین آلات و استخدام تکنیسین های خارجی)، معادن (در معدن تاکاشیما زندانیان را بکار می گرفتند).

### تبانی دولت با سرمایه های تجاری

**میتسوئی:** ارتباط تنگاتنگ با فعالیت های مالی و سیاست های بودجه دولت،

**میتسوبیشی:** در سال ۱۸۷۴ (می جی ۷) دولت ۱۳ کشتی بخاری را که برای

قوای نظامی خریده بود تا در تجاوز به تایوان از آن ها استفاده کند به همراه مبالغی کمک هزینه به میتسوبیشی واگذار کرد.

**سومیتومو:** دولت تصاحب معدن مس بشی؟ (یکی از بزرگترین معادن مس) را بوسیله سومیتومو مجاز میداند.

(۴) "تقویت قوای نظامی" برای شکل گیری میلیتاریسم

تدوین قانون مشمولیت سربازی اجباری (سال ۵ می جی) که با مخالفت مردم روبرو میشود. تشکیل وزارت نیروی زمینی: اسقرار وزیر آرتش (سال ۷ می جی) تجاوز به تایوان (سال ۷ می جی)، عجله آرتش در ارسال سرباز به اگه<sup>۱۵</sup> جیما قبل از دستور دولت (سال ۸ می جی)،

تشکیل مقر فرماندهی نظامی وابسته به امپراتور (می جی ۱۵)، تابعیت دولت و وزارت نیروی زمینی از این فرمانداری.

رابطه نظامیان با امپراتور؟ (سال ۱۵ می جی). در مقدمه تابعیت نظامیان را از

امپراتور تاکید میکند. (وفاداری، ادب، شجاعت، اعتبار، طبیعت) نظامیان الگو میشود.

### 3- اوجگیری و شکست جنبش آزادی خواهی

(۱) تشدید نارضایتی مردم از دولت و خواسته "آزادی" و "حقوق ملی" ۸۹ بار اتفاق جنبش های مردمی در بین سال های ۱۸۷۱ تا (می جی ۴ تا ۷) ۷۴- در ۱۱ جنبش بیش از ۱۰ هزار نفر شرکت کردند. بزرگترین جنبش در سال ۷۳ با شرکت ۳۰۰ هزار نفر بمدت ۹ روز ادامه داشت. به سبب افزایش قیمت برنج بیش از ۴۰۰۰ دکان مشروب فروشی، شویو فروشی، برنج فروشی و صرافی ها تخریب شدند.

ایتاگاکي<sup>۱۶</sup> پس از شکست در پیشبرد "نظریه فتح کره" در تاریخ ۱۸۷۴ پیشنهاد "تاسیس مجلس نمایندگان" را به دولت میدهد.



تایسکه ایتاگاکي

(<http://www.ndl.go.jp/portrait/datas/10.html>)

ایتاگاکي از رجال مهم در دولت می جی بود که به همراه عده ای دیگر برای Taitsuke Itagaki = 板垣退助<sup>16</sup> برونرفت از بحران های حکومت می جی طرح فتح کره را ریختند ولی موفق به تحقق آن نشدند. او سپس به جنبش آزادی خواهی پیوست و با تشکیل حزب لیبرال ژاپن پیشنهاد تاسیس مجلس موسسان را به دولت ارائه داد.

ناراضیان همگی مشترکاً خواسته "آزادی" و "حقوق ملت" را پیش دولت مطرح کردند.

دولت در سال ۷۵ (می جی ۸) با تدوین قانون محکومیت هرگونه تهمت و افترا به مسئولین سیاسی و قانون روزنامه دست به سرکوب وسیع آزادی بیان زد. اعتراض به افزایش مالیات بر زمین - در نقاط مختلف ژاپن قیام هائی بر ضد مالیات زمین برپا شد که در بسیاری از آن ها این اعتراض ها موثر واقع شد ولی در برخی موارد هم تاثیر نداشت (نمونه های مشخص در متن اصلی حذف شده است).

## (۲) عمومیت مبارزه برای کسب آزادی و حقوق ملی

تاسیس تشکیلات توسط<sup>۱۷</sup> (می جی ۱۰) بهانه ای شد تا دولت دست به سخت گیری های جدید بزند. بنابر ماده ۸ در پیمان نامه دولت سربازی اجباری را با قاطعیت و استبداد عملی میکرد. از یک طرف مالیات های مردم را افزایش داد ولی از طرف دیگر از سیاسیون و بازرگانان حمایت میکرد. ممانعت از روند آزاد رشد صنایع، سنگینی مالیات ها بر زمین و عدم تغییر مواد قانون از دیگر سیاست های جدید دولت بشمار می آیند.

می جی ۱۱، اولین همایش وطن پرستان و تعمیم مبارزات مردمی برای احیای

آزادی و حقوق ملی،

---

اشاره به تشکیلاتی است که در استان کوچی دست به اسلحه بردند و قصد -tosarisshisha= 土佐立志社<sup>17</sup> مبارزات مسلحانه داشتند.

می جی ۱۳، برپائی چهارمین همایش وطن پرستان، ۸۷ هزار شرکت کننده و بیش از ۱۱۴ نماینده از تشکیلات مختلف مردمی، تغییر نام تشکیلات شرکت کننده به "اتحاد برای تاسیس مجلس"،

دولت با تدوین "قانون اجتماعات" دست به سرکوب تشکیلات و آزادی بیان زد.

(۳) تشکیل مجلس با دستخط امپراتور - تلاش برای ایجاد تفرقه،

دومین همایش "اتحاد برای تاسیس مجلس" با شرکت ۱۳۰ هزار نفر،

ترس دولت از همکاری دو تشکیلات حزب لیبرال و گروه اوکوما<sup>۱۸</sup> (حزب تغییر -

یک تشکیلات بورژوازی)،

حکومت بالاخره اوکوما را از دولت ساقط کرد و همزمان در سال می جی ۲۳ با

فرمان امپراتور مجلس را افتتاح کرد و دولت در صدد بود تا بین احزاب اصلاح

طلب و احزاب رادیکال اتفاق نظر بوجود نیاید و بین آن ها تفرقه افکنی کند.

تجدید نظر طلبی مقامات اصلی و تجزیه جبهه ها - هر چند که آقای ایتاگاکی (می

جی ۱۵) مضروب میشود (با کشتن ایتاگاکی جنبش آزادی طلبی نمی میمرد) -

ولی با این حال او به سفر اروپا پیش ادامه داد. نمونه های اختلاس و رشوه گیری در

رده های بالای حکومتی برملا شد. (رشوه اینو اوئه وزیر امور خارجه جدید از

میتسوئی)، (حزب اصلاح طلب حزب لیبرال را متهم به مزدوری دولت کرد).

می جی ۲۰ - تدوین قانون امنیت، مبارزه برای آزادی و حقوق ملت را با شکست

---

زمانی وزیر امور خارجه ژاپن بود. = Shigenobu Ookuma = 大隈重信 18

روبرو کرد.

(ضمیمه) درک فوکوزاوا<sup>۱۹</sup> (تصویر روی اسکناس ده هزار ینی) از مفهوم دوگانه

نظریه حقوق شهروندی امپراتور:



یوکی چی فوکوزاوا (تصویر از مترجم است)

استقرار عصر می جی - موضوع یک کشور مستقل،

نظریه حقوق شهروندی امپراتور: "امپراتور نه کسی را در بالای خود و نه کسی را در پائین خود مستقر میسازد." - "استقلال فرد منجر به استقلال کشور میشود." اما همزمان "اهمیت مقام و موقعیت" و "اهمیت آگاهی بر محدودیت خود" تاکید شده است. فوکوزاوا این گونه درک کرده بود که با اصلاحات می جی بین مردم و دولت "سوگند" یاد شده است و بدین وسیله قدرت به مردم انتقال یافته است. اما این به اصطلاح "قرارداد اجتماعی" فراموش کرده بود که شرط اصلی، سوگند بین خود مردم و تنها واسطه بودن "دولت" که "دولت امپراتور" است تحقق نیافته بود.

<sup>19</sup> 福沢諭吉 = Yukichi Fukuzawa - در ۱۸۳۵ در اوساکا متولد شد و به عنوان یک اندیشه مند در حکومت باکو فویه همراه هیئت بازدید کننده به آمریکا میروید. پس از این بازدید است که کتاب های خود را از جمله "شرایط کشورهای غربی" در سال ۱۸۶۸ به تحریر در می آورد. او در دوران می جی صدارت هیچ پستی را نداشته است. فوکوزاوا در سال ۱۹۰۱ یا می جی ۳۴ چشم از جهان می بندد.

"نظریه امپراتوری حقوق ملت" جایگاه قدرتمند امپراتور را پیش فرض قرار داده بود. همان "اهمیت مقام و موقعیت" و "اهمیت آگاهی بر محدودیت خود" و در نهایت "نظریه هم آهنگی بین حکومت و مردم" مانع تحقق آزادی ملت بود. (فوکوزاوا از چپ گرایان رژیم باکوفو بود که بر "استبداد شاهی" پافشاری میکرد در حکومت می جی هم از حامیان سخت اقتدارگرائی بود.)

می جی ۸- "دیباچه نظریه مدنیت" - زمانی که غربی ها به سرزمین های آسیا قدم میگذارند در این کشورها علف و درخت هم سبز نمیشود. تولیدات راکد میشود و در نهایت نسل مردم این کشورها نابود میشوند. غربی ها مردم دهشتناکی هستند - کشور با کشور برابر است، بین حقوق ملت ها ذره ای هم تفاوت وجود ندارد.

دورانی که ژاپنی ها به عنوان سرباز در جبه غرب کار میکنند تا بلکه از این راه

منافع ژاپن را افزایش دهند.

در این عصر کشورهای غربی وارد فاز امپریالیستی شده و در رقابت با یکدیگر مشغول مستعمره سازی کشورهای آسیائی بودند و در این راه از ژاپن بهره میگرفتند. شرکت ژاپن در جبهه غرب سبب ورود ژاپن به جنگ با چین و روسیه میشود.

می جی ۸- "نظریه پرهیز از آسیا" ی فوکوزاوا سبب گردش از جاده شاه پرستی به هژمونی گرائی - بدون شک در چندین سال آینده کشورهای کره و چین بین

کشورهای غربی تقسیم میشود، با وجود این که ما هم از نژاد آسیائی هستیم ولی بهتر است بجای رفاقت با این کشورها به جرگه غرب به پیوندیم و سرنوشت خود را با آن ها بشارکت بگذاریم. این سیاست ناگزیر و واقع گرای ژاپن است.

"اگر برای مردم کره هم که شده باید اضمحلال این کشور را خشنود باشیم".

"ژاپن از سال ۲۰ می جی به مدت نیم قرن همراه کشورهای غربی حدود ۵۰ بار

در جنگ ها شرکت کرد و تنها ۴ بار با خود غربی ها به جنگ پرداخت ولی بقیه را

با چین و کره جنگید." - نقل از کتاب "روح می جی" نوشته ایروکاوا<sup>۲۰</sup>.

#### تجاوز ژاپن به کشورهای آسیائی در رقابت با کشورهای امپریالیست غربی

شرکت در جنگ اول جهانی(در مقابل آلمان) - اعزام سرباز به سیبری(دخالت در

انقلاب روسیه)، جنگ بزرگ شرق آسیا، جنگ اقیانوس آرام که باعث تلفات

هنگفتی هم برای ژاپن و هم برای کشورهای آسیائی شد - ژاپن در نهایت در این

جنگ ها شکست خورد.

#### ۴ جنگ با چین و روسیه

۱ - تنگ دستی کشاورزان و ارزانی مزد کارگران با وجود کار طاقت فرسا

فشار مالیات بر دوش زارعین

زارعین مجبور میشوند زمین خود را بجای قروض به رهن بگذارند: ۲۰۰ میلیون ین

درآمد دولت از این راه در سال ۸۴(دو و نیم برابر درآمدهای عادی دولت).

<sup>20</sup> 色川大吉 (いろかわ・だいきち) 『明治の精神』 131 頁、1970 年、筑摩書房



تعداد زارعینی که زمین آن ها به مزایده گذاشته شد بالغ بر ۳۳۸۴۵ نفر (۱۸۸۳ یا می جی ۱۶)، در طول نه سال این رقم به ۴۲۰ هزار افزایش یافت.

### نظام مالکیت انگلی

سهام زارع ۷۰ درصد، کاهش مالیات دولت ولی افزایش سهم مالک (از ۱۲ درصد به ۵۵ درصد)، افزایش زمین های زراعی کوچک به ۴۵ درصد (۴۴ درصد شالیزار و ۳۴ درصد زمین های دیگر)، ۲۲ درصد زارعین بدون زمین (رعیت)، خود کفائی ۳۳ درصد. (حمایت دولت از مالکین بزرگ و پرورش آن ها برای شرکت در پروژه های صنعتی از سیاست های دولت وقت بود. -م)

افزایش چهار برابری سرمایه کمپانی ها در طول شش سال (از سال ۱۸۸۴ تا ۱۸۹۰) طولانی شدن زمان کار کارگران صنایع و ارزانی مزد آن ها نسبت به انگلیس - مزد کارگران ژاپن یک دهم انگلیس (مثال های زنده حذف شده اند). افزایش قیمت کلافه نخ نسبت به انگلیس و حتا هند (نمونه های زنده حذف شدند).

### ۲- جنگ با چین

ژاپن به قصد تجاوز به کره در سال ۱۸۹۴ (۲۵ ژوئیه سال ۲۷ می جی) با ناشیگری به ناو دریایی چین حمله میکند و پس از هشت ماه جنگ که فقط با لشکر دریائی لی هونگ چنگ<sup>۲۱</sup> صورت میگیرد به پیروزی دست می یابد و بدینوسیله ماهده شی **مونوسکی**<sup>۲۲</sup> را منعقد میکند. در این جنگ ۳۰۰ میلیون ین غرامت میگیرد. ژاپن از راه این جنگ با بدست

<sup>21</sup> 李鴻章 = Li Huang-Chang

<sup>22</sup> 下関講和条約 = Shimonoseki-kouwa-jouyaku

آوردن حقوق و منافع در آن سوی آب ها به مثابه کشورهای امپریالیستی غربی عمل میکند و بدینوسیله مشوق خود یعنی انگلیس را خشنود می کند. ژاپن با وجود این که زمانی عمله و مباشر این کشور ها در منطقه بود اما هم اکنون با تقلید از آن ها به عنوان کشور غاصب و استعمارگر در منطقه در دریف غرب به کشور زورگو تغییر موضع میدهد.

با دخالت سه کشور روسیه، آلمان و فرانسه در مقابل دریافت ۳۰ میلیون سکه نقره(؟) شبه جزیره لیائو دونگ<sup>۲۳</sup> را به چین پس میدهد.

### ۳- تثبیت نظام سرمایه داری

هزینه جنگ با چین دو برابر درآمد دولت یا ۲۵۰ میلیون ین.

افزایش سود بانک ها - ۴۷٪(۱۸۸۳)، ۵۰٪(۱۸۹۴)، ۶۳٪(۱۸۹۶) و

در آمد ۳۴۰ میلیون ین، تصاحب سرزمین ها و بازارهای تجاری در آن سوی آب ها از راه جنگ،

افزایش صادرات نسبت به واردات مخصوصن صادرات نخ و پارچه به کره و چین که حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد شد.

تاسیس کارخانه **یاهاتا** در سال ۱۸۹۷(می جی ۳۰) بوسیله دولت و واردات انحصاری آهن آلات از چین،

تخصیص ۴۰ درصد بودجه به حوزه نظامی(۱۹۰۳) که حاصل افزایش مالیات ها بود.

### ۴- جنگ با روسیه

---

<sup>23</sup> 遼東半島 (りょうとうはんとう) = Liao dong Peninsula

در این برهه جهان وارد فاز امپریالیستی میشود.

بین ۱۸۷۰ و ۱۹۰۰ پیدایش کشورهای پیشرفته سرمایه داری - سرمایه انحصاری - نظام سرمایه تراست ها - و صدور سرمایه قابل ذکر است. رقابت بین کشورهای امپریالیستی برای تقسیم شرق دور.

جنگ با روسیه با پشتیبانی آمریکا و انگلیس انجام گرفت در حالی که فرانسه متحد روسیه بود. منافع کشورهای امپریالیستی تنیده در هم و پیچیده تجلی میکرد. آلمان دشمن مشترک انگلیس و فرانسه به حساب می آمد و آلمان علاقه داشت روسیه به غرب حمله کند. هزینه جنگ یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون ین - ۸۰۰ میلیون ین از این مبلغ را آمریکا و انگلیس به صورت وام در اختیار ژاپن قرار دادند.

در این جنگ یک میلیون و هشتاد هزار سرباز شرکت کردند، که البته حرکت های مخالفت با جنگ و روحیه بی تفاوتی نسبت به آن هم وجود داشت. با انقلاب اول روسیه جنگ پایان یافت.

انعقاد **پیمان نامه پوتسماس**<sup>۲۴</sup> با وساطت روزولت رئیس جمهور آمریکا - در این توافق نامه حق ژاپن بر کره به رسمیت شناخته میشود و قیمومیت منچوری جنوبی به روسیه واگذار میشود.

۵- تلفات مردمی و منفعت بری طبقه حاکم،

جنگ به مدت بیست ماه ادامه یافت و سبب کشته شدن صد و شش هزار نفر گردید. شصت

---

<sup>24</sup> The Treaty of Portsmouth

هزار بیمار جنگی که در نهایت مردند. ۴۰ درصد سربازها کشته شدند.

رکود وحشتناک در کشاورزی در سال ۱۹۰۵ از نتایج جنگ بود.

سود بری سرمایه: منفعت بانک‌ها: ۱۴۲ میلیون (۱۹۰۳)، ۲۲۴ میلیون (۱۹۰۷)،  
افزایش پس انداز شرکت‌های صنعتی: از ۳۰ میلیون (۱۹۰۳) به ۶۴ میلیون و ۵۰۰ هزار (۱۹۰۷)،

۵- برپائی اجتماعات مخالف مردمی در پارک‌های بی‌یا و انتقام‌گیری حکومت،

در این اجتماعات مردم مخالفت خود را با توافق نامه ۱۹۰۵ پایان جنگ ابراز می‌کنند. صدها  
هزار نفر در این گردهم‌آیی دست آوردهای توافق نامه را ناچیز دانسته با عصبانیت حاصل  
از نارضایتی‌های دیر هنگام دست به تخریب ایستگاه‌های پلیس زدند.

گسترش معضلات کار و کارگر در زمان رکود (۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷)

در سال ۱۹۱۰ به بهانه رخداد تخریب ایستگاه‌های پلیس ۲۴ نفر حکم اعدام گرفتند که این  
حکم در مورد ۱۲ نفر آن‌ها به اجرا گذاشته شد.

اعلام "عصر انسداد" بوسیله شاعر و روشنفکر ایشی کاوا در سال ۱۹۱۰- (شرح مفصل  
در رویه ۲۱-م)

جمع‌بندی میانی

۱- اصلاحات می‌جی بجای سیر در راه انقلاب بورژوازی در راه استبداد امپراتوری قدم  
گذاشت. این تحولات به جای برقراری مردمسالاری، فرد پرستی - خانواده گرایی حکومتی  
را رایج کرد.

۲- جنبش آزادی خواهی و حق طلبی ملی سرکوب شد و دمکراسی شکل نگرفت. بجای آن

دیوانسالاری و حاکمیت نظامی زیر کتل مقدس امپراتور نقش غالب پیدا کرد.

۳ - شکل گیری سرمایه داری با هدایت دستگاه حکومتی (انباشت ابتدائی ثروت) - استثمار شدید مردم با بهانه تشکیل "کشور ثروتمند و قدرتمند"، شکل گیری سریع سرمایه داری، انحصاری، تنگ کردن بازارهای داخلی با تحت فشار گذاشتن اقشار کارگران و کشاورزان، اما تصاحب بازارهای خارجی به روش امپریالیستی از خصوصیات اصلاحات می جی بشمار می آیند.

#### مراجع سخنران

(تاریخ ژاپن مدرن) - نوشته کی یوشی اینواوا و سوزوکی ۱۹۵۵ - انتشارات گودو<sup>۲۵</sup>

(تاریخ تفکر ژاپن مدرن) - نوشته توایاما - ۱۹۵۶ - انتشارات آئوکی<sup>۲۶</sup>

"اوضاع دوران انسداد": نوشته ای از تاکوبوکو ایشی کاوا<sup>۲۷</sup> در سال ۱۹۱۰ در

انتقاد از مقاله "اندیشه خود تاکیدی به عنوان یک گرایش طبیعی گرائی"

بوسیله اووزومی -

(حکومت باید مقتدر باشد. ما هیچ گونه دلیلی برای جلوگیری از این مهم نداریم.

ولی ما به تنهایی از یاری رساندن به تحقق آن معذوریم!) - و به راستی این

تصویر کلی موقعیت حس وطن پرستی تقریبین تمام جوانان دانش آموخته امروز

---

<sup>25</sup> 井上清・鈴木正四著『日本近代史』上下、1955年、合同出版社.

<sup>26</sup> 遠山茂樹他『近代日本思想史』第一卷、1956年、青木書店。

<sup>27</sup> 石川啄木 = Ishikawa Takuboku (1886-1912) - شاعر، مفسر و خواننده معروف عصر می جی.

ما است که در مقابل حکومت و یا غیر ترسیم میشود. وبالاخره این حس در بین جوانانی که مصمم به ورود به حوزه داد و ستدهای اقتصادی هستند به وضوح قابل مشاهده است. و باز این چنین می گویند: ("کشور با اتخاذ روش های امپریالیستی میتواند روز به روز به رشد اقتصادی دست یابد و این پدیده خوبی است - ما هم با تقلید از این روش ها بی اعتناء به مقوله عدالت و انساندوستی و غیره باید بکوشیم تا از سود سرشار برخوردار شویم. ما فرصتی برای اندیشیدن به منافع دیگران نداریم")

با توجه به وجود فلسفه پوچی که از عصر کهن در ما رخنه کرده بود باید گفت پدیده وطن پرستی امروز قدمی به جلو است. اما آن طور که نظام اقتدارگرا در ظاهر دشمن تلقی میشود ولی در حقیقت چنین نیست. برعکس آن ها در مقابل آن چه که باید دشمن حقیقی شناخته شود رفتاری مطیع وار اتخاذ کرده اند. آن ها همان طور که در مقابل فعالیت های انسان با نظر تردید مینگرند در برابر موجودیت اقتدارگرا منفعل هستند که بی شک نومیدکننده است.

همه آگاهند که طبیعت گرائی که اشاره به گرایش خود انکاری است پدیده ای نوین پس از جنگ با روسیه بوده است.

هم اکنون آن چه که برای ما باقی مانده است تنها خواست شدید خود تاکیدی است. همزمان با پدیده خود تاکیدی ما آرمان ها، سمت و سوی فعالیت و رهائی خود را از دست داده ایم و تنها نیروی انباشت شده خود را بیهوده تخلیه میکنیم.

جای شک نیست که سبب این گرایش خودتخریبی جوانان متاسفانه وجود یک شرایط نومیدکننده و بی آرمانی است. و این یقین سرانجام "دوران انسداد" است. و بالاخره آنچه که ایده آل ما است دیگر آرزوی یوتوپای "خوب" و "زیبا" نیست بلکه با رد هر گونه یوتوپیا آن چه که باید مد نظر باشد همانا حقیقت "نیاز" است. و این نیاز است که ما باید برای آینده خودمان خواستارش باشیم. هم اکنون ما باید مجدانه و با آزادی "امروز" خود را بررسی کنیم و از آن طریق "نیاز" آینده خود را کشف نمائیم. نیاز معتبرترین آرمان است.

مطالعه اصلاحات می جی از موضع جامعه شناسی سیاسی و فرهنگ عامه مردم

مستخرج از کتاب: (ساختار روان مردم ژاپن در عصر مدرنیزاسیون) نگارش جی رو

کامی شیما - ۱۹۶۱<sup>۲۸</sup>

مقدمه - ریشه مساله

مقوله مورس (mores) ( معیار رفتاری مردم که ماحصل تجربه زندگی روزانه آن

هاست - یا عادات مردم)

رابطه این مفهوم که (ساختار روان مردم) نیز نامیده میشود با مساله فاشیسم

امپراتوری مورد بحث قرار میگیرد.

بخش اول - مساله فاشیسم امپراتوری و سطح شعور مردم

اساس توجیه مقوله وفاداری به نظام امپراتوری را باید در باورهای سنتی مردم ژاپن

دانست. پس از متلاشی شدن نظام روستای طبیعی اول (نظام مناسبات مشاعی روستایی) و آغاز روستای طبیعی دوم (شهر نشینی و نظم نوین) و در نهایت فروپاشی طبیعت دوم ژاپن را به سوی فاشیسم سوق میدهد.

سطح آگاهی و شعور ملت - در مناسبات مردم و حکام، از بالا رافت سامورایی و از پایین تابعیت و تعهد به نظم طبیعی روستائی مردم قابل ذکر است - آموزش در مدارس هم بر اساس تمرین (خودگردانی) سنتی صورت میگرفت. به عبارتی مدرسه هم نوعی روستای طبیعی بود.

در حالی که تفکیک اقشار و تضادهای طبقاتی و "گروه بندی"ها نیروی مردم را در یک حالت بی حاصلی قرار داده بود، نظامیان و دیگر ایادی وابسته به امپراتور از این روحیه طبیعت گرائی سوء استفاده کرده و انرژی مردم را در خود جذب کردند.

اصل نظم روستای طبیعی (روستای نخستین)

۱- باورهای شینتوایسمی<sup>۲۹</sup> ۲- سالمندگرایی<sup>۳۰</sup> ۳- خانواده پرستی<sup>۳۱</sup> ۴- مرتبه

گرایی فئودالیستی<sup>۳۲</sup> ۵- روحیه خود کفایتی<sup>۳۳</sup> (روحیه حذف غیر و تکریم غیر)

با رشد شهر نشینی روستای طبیعی به شهرها هجوم می آورد و این بار (روستای

دوم) شکل میگیرد .

روستای دوم - با شهر نشینی مردم از فضای واقعی تولیدات کشاورزی فاصله

---

<sup>29</sup> Shintoism

<sup>30</sup> Gerontocracy

<sup>31</sup> Familism

<sup>32</sup> Feudalism

<sup>33</sup> Mental autarchy



میگیرند - ظهور باطن گرایی که به تشویش های مبهم می انجامد - ضمانت رفع این نگرانی ها در گرو تحقق یک توسعه و پیشرفت اجتماعی فرض میشود. و چاره ای نیست غیر از این که تقویت و فربه شدن حکومت را آرزو کنیم.

نمونه های شعور نظم روستای دوم در نظام آموزشی عالی

۱ - پرورش روح اتحاد در ابراز خشنودی های دسته جمعی در مناسبت های رقابتی (تشویق های افراطی در مسابقات - تاکید سنت آئین شینتو)

۲ - تشویق به رعایت (سن پای - کوه های<sup>۳۴</sup>) - (هم کلاسی گرایی) - (سالمند گرایی)

۳ - رعایت روحیه (اویاجی - آنی کی<sup>۳۵</sup>) - (خانواده پرستی)

۴ - امتیاز دانستن برگزیدگی در مسابقات فصلی - (مرتبہ گرایی)

۵ - رعایت روحیه (وابستگی - محدود) در مناسبات کار آموزی - پرورش روحیه (حذف غیر - تکریم غیر)

با تشدید سرمایه داری انحصاری و ظهور رکود جهانی تقسیم اقشار حدت میگیرد.

در این شرایط روستای دوم دستخوش بحران و تغییر میگردد. و بالاخره زمان

"قیام" فرا میرسد. در این شرایط ژاپن برای حفظ سنت های دیرینه خود در مقابل

غرب و جلوگیری از نابودی این سنت ها برعکس تلاش میکند بر آن ها تاکید ورزد و

ویژگی آن ها را دو چندان جلوگر نماید .

راه حل جلوگیری از نابودی سنت ها

---

<sup>۳۴</sup> کهتر (کوه های) و مهتر (سن پای) گرایی که مترادف با شاگرد کلاس پائین و بالا در محیط مدرسه است. این مناسبات در اجتماع هم کارکرد دارد.

<sup>۳۵</sup> نشانی از احترام برای شخصیت فراتر (برادر بزرگ یا آنی کی) و تابعیت از شخصیت قاطع (پدرخوانده یا اویاجی).

۱- گسترش اصلاحات ساختاری (اسقرار سوسیالیسم حکومتی) با تجاوز و مهاجرت،

۲- بازگشت به (روستای نخستین) با گسترش اصلاحات در کشاورزی

۳- دخیل بستن به نماد قدرت (تحقق سیاست مطلوب امپراتور) و ستایش وطن و

پرستش امپراتور

۴- بیگانگی از نظم (مخفی شدن، فرار)، لش شدن، استحاله شدن،

نمونه ای از صحبت های کشاورزان با هم در فضای زمان حوالی جنگ با چین

-چه ایرادی دارد بگذار بین ژاپن و آمریکا جنگ شعله ور بشه،

-راست میگی یا- ولی آمریکا خیلی قویه،

-چی گفتی! نیروی زمینی ژاپن بسادگی شکست پذیر نیست،

-اما جنگیدن با شکم گرسنه کار مشکلی است،

-راست میگی یا، اما معلوم نیست ما شکست بخوریم- در هر صورت باید جنگید-

اگر پیروز شدیم که فیهالمراد و آنوقت پولدار میشیم- اگر شکست هم خوردیم

آمریکا زیاد به ما ظلم نخواهد کرد- برعکس تحت قیمومیت آمریکا در می آیم و

آنوقت یک زندگی راحتی خواهیم داشت.....(سابورو تاچی بانا)-نیت وطن پرستی

نویسنده ۱۹۳۲<sup>۳۶</sup>

بخش دوم- روند شکل گیری "طبقه متوسط"

(۱) تفاوت نگاه به جمع در دو جامعه ژاپن و غرب

استبداد فردی - در غرب فرد به عنوان واسطه خدا مصمم مطلق میشود(بر گرفته از ایده تفاوت انسان با خدا) - حال این که در ژاپن امپراتور "خدای مورد پرستش" میشود. و او کسیست که اجداد خدایان را پرستش میکند. بنابراین تصمیمات امپراتور از آن خدایان اجدادی است(مذهبی که خدا و شخص هم آنی پیدا میکنند).

در غرب فرد کاتالایزر مثبت در جمع است و قدرت مقوله فرای شخص است. و از آنست که منطق آزادی و پارلمانتاریسم و اجتماعات طبقاتی در این کشورها شکل میگیرد.

در ژاپن فرد کاتالایزر منفی در جمع است. اخلاق وفاداری به شخصیت، سیستم آموزشی شخصیت پرستی، اجتماع طبقاتی(سلسله مراتبی) را تولید میکند.

خود را فدای جمع کردن، و به انتظار لحظه پیشرفت نشستن؟

(۲) نشان دادن وفاداری فردی و پنهان مطامع

سوانق(ethos) (سرکوب شده) را به طمع های طبیعی بدل کردن؟

وفاداری به فرد در شکل وفاداری به "امپراتور"، به "جمع"، به "کشور" به "آزادی"، به حقوق و غیره گسترش پیدا میکند.

تعبیر خودپسندانه از وفاداری و پنهان مطامع فردی،

"خواسته های غریزی فردی" یا رضایت بخشی به "غرایز" برابر با زندگی

پسندیده انگاشته میشود.

"گرایش به مطامع طبیعی" به معنای تحقق طبیعی مطامع به عنوان اهداف

نهائی فرد؟

"برگشت به خوی اولیه" - به زندگی ساده قدیم برگشتن و بدنبال رد پای

آمیتراس<sup>۳۷</sup> قدم برداشتن؟ که در نهایت به پرستش سلطان و پرستش اجداد

و آنی میسم<sup>۳۸</sup> (وجود روح جنباننده در تمام ذرات هستی-م) می انجامد.

نمونه: سرود ملی ژاپن - کیمی گایو: (عزیز من با آرزوی این که نسل تو هزار

سال، هشت هزار سال، تا هنگامی که سنگ خاره به صخره تبدیل شده و بر

روی آن خزه ظاهر شود طول عمر بیابد.<sup>۳۹</sup>)

دیدگاه پرستش شاه در نظام باکوماتسو (آخرین رژیم قبل از می جی) با سیر

از پرستش اجداد در نظریه کشور خدایان (ژاپن) احیا میشود.

(۳) توسعه طلبی - احیای **موموتارو** گرائی

**موموتارو** نماد "ابراز صادقانه مطامع" یا جلوه ی روح "گرایش به مطامع

طبیعی" شد. (اشاره به افسانه موموتارو یا تحرکات مجدانه **موموتارو** با جمع

آوری دوستانی مثل سگ و میمون و طاوس است که در مسیر مبارزه پیدا

میکنند تا به هدف خود نایل آید-م)

با فرض قرار دادن روح مبارزاتی سگ، میمون و طاوس **موموتارو** در شجاعت

<sup>۳۷</sup> آمیتراس خدای خورشید یا روشنی است که امپراتور فرزند او بر روی زمین تلقی میشود.

<sup>۳۸</sup> animism

<sup>۳۹</sup> 「君が代は千代に八千代にさざれ石のいわおとなりて こけのむすまで」

سامورائی، تخلیه انرژی جوانی را با سرکشی های بدون هدف ولی به عنوان

"کنش های مجدانه و مثبت" تشویق میکند(خلاصه شده!)

این توسعه طلبی زمانی بصورت بچه گانه (غیر سیاسی) و زمانی بشکل تجاوز

به سرزمین های دیگران(سیاست افراطی) تجلی میکند. اعتقاد به ممتاز بودن

خود و ضعف دیگران سبب میشود تا یکباره با بسیج نیروهای کشوری در

جهت تجاوز به خاک دیگران به انفجار و تخلیه کامل انرژی خود به پردازد.

پایان سخن:

امروزه ژاپن در (وضع انسداد) قرار دارد

۱- (وضع انسداد) نظام می جی پس از جنگ با روسیه همانند انسداد حاصل از

رکود نفتی ۱۹۷۳ بعد از تحقق سیاست های اقتصادی بلند پرواز آنه این کشور

است. رونق اقتصادی بعد از جنگ جهانی اول(۱۹۱۸-۱۹۱۴) همان اقتصاد

حبابی بعد از جنگ است.

شرایط امروز ژاپن چیزی بمانند رکود پس از جنگ جهانی اول- رکود مالی

دوران شووا(۱۹۲۷) و یا رکود جهانی ۱۹۲۹ میباشد که (وضع انسداد) و

بحرانی قلمداد میشود.

۲- آیا ژاپن و مردم آن نسبت به گذشته خود تغییر کرده اند؟

با وجود این که ژاپن پس از سپری کردن دوران امپراتوری با یک چرخش ۱۸۰

درجه ای به نظام دمکراسی تغییر کرد آیا(ساختار روانی)ژاپنی ها تغییر یافته

است؟

(کشور خدایان) امپراتور در گذشته این بار جای خود را به آمریکای (دمکرات) داده است که موضوع وفاداری ملت به آن شده است.

گرایش به تحقق (مطامع طبیعی) این بار به صورت آرزوی (زندگی مرفح) آمریکایی جلوه گر میشود و این طمع افراطی موتور محرک اصلی برای تحقق یک (رشد بالای اقتصادی) میگردد.

آنطور که دست اندرکاران اقتصاد میگویند: "کشور با اتخاذ روش های امپریالیستی میتواند روز به روز به رشد اقتصادی دست یابد و این پدیده خوبی است - ما هم با تقلید از این روش ها بی اعتناء به مقوله عدالت و انساندوستی و غیره باید بکوشیم تا از سود سرشار برخوردار شویم. ما فرصتی برای اندیشیدن به منافع دیگران نداریم" = (تاکوبوکو ایش کاوا)

خصلت منفی یا ذوب در جمع مردم ژاپن این بار بجای کشور، در مناسبات کمپانی ها پیکر می یابد، به این معناکه تلاش صادقانه من ابتداء سبب فربه شدن کمپانی میشود ولی در نهایت به تحقق آرزوهای خود من می انجامد.

اما بیست سال پس از ترکیدن حساب های اقتصاد پر رشد (کشور یا به عبارتی شرکت سهامی ژاپن) مجبور به انقباض شد که همزمان انقباض من منفی را بدنبال داشت. وضع فعلی سبب بیماری در خود ماندگی (autism) ملت شده است. لیبرالیسم نوین با ارایه نظریه (خود مسئولیتی) در صدد است تا از

وضع حاضر رهایی یابد- (جمعیت مبتلا به درخودماندگی بالغ بر صدها هزار شده است).

۳- ژاپن و مردم آن در آینده کدام مسیر را طی میکنند؟

ژاپن بر خلاف انگلیس که از نقطه نظر جغرافیای سیاسی در وضع مشابهی قرار دارد از دیدگاه های فراخ جهانی و نظر بلندی برخوردار نیست بیشتر طبیعت تنگ نظرانه محلی و منطقه ای دارد.

ژاپن بمانند آلمان تا کنون به حل مسایل بعد از جنگ با کشورهای آسیایی همسایه نه پرداخته است زیرا سیاست (تکریم) آمریکا و (بی اعتنائی به بقیه ملت ها) را پیشه کرده است.

لازمست هم اکنون مردم ژاپن در باره تجربه (رشد اقتصادی بالا) که به گونه ای معجزه آسا با موفقیت در زمان کوتاهی تحقق یافت تجدید نظر کنند و در مورد خوی آزمندانه مصرف گرایی برای تحقق (زندگی مرفح) را که انحراف ساختار روانی آن ها را نشانه گرفته است هوشیار باشند.

بی شک هدف بازگشت به دوران (کشور خدایان) نیست بلکه مقصود در عین این که باید به احیای سنت (همزیستی با طبیعت) پرداخت- کوشش در ابداع یک اقتصاد نوین و پویای منطقه ای و استقرار جامعه ای با تعادل و اعتلای مستمر مد نظر است.

هم اکنون با پیش قدمی جوانان مملکت فعالیت های ابداعی و کمک های

خیرخواهانه در نقاط مختلف در حال انجام است، به عنوان نمونه - دلسوزی و حفاظت از اکولوژی - نیم کار نیم کشاورزی - رواج ارز منطقه ای - ایجاد سازمان های غیرانتفاعی مثل بانک ها - کمک رسانی در سوانح طبیعی - اشاعه فرهنگ اشتراک (sharing)

در پایان در باره این که ایران چگونه و در چه زمینه ای میتواند از نمونه تجربه ژاپن بهره ببرد نکاتی را متذکر میشوم، لازمست ابتداء ساختار اقتصاد ایران و منافع حاصل از آن و بالاخره رابطه اقتصاد با سیاست مشخص گردد،

اگر قرار بر این است که گرایش های مذهبی نقش اصلی را در چگونگی مناسبات اقتصادی و سیاسی بازی کند باید بر بروز مسایل در حاشیه آن هوشیار بود. به عبارتی خوانایی مضمون مذهب با ساختار روانی ملت باید محک بخورد و مسایل با انتقاد از خود مطرح گردد.

با توجه به نکات بالا یک کشور مردمی حقیقی لازمست کشوری باشد که انسانیت مردم خود را در نظر داشته با هدف صیانت از سیستم اکولوژی و رشد آن از تن دادن به تغییرات لازم اجتماعی رویگردان نباشد.

**پایان**



منابع انگلیسی که برای مطالعه عصر اصلاحات می جی در دسترس است:

1. <http://www.japan-guide.com/e/e2130.html>
2. [http://wpedia.goo.ne.jp/enwiki/Meiji\\_Restoration](http://wpedia.goo.ne.jp/enwiki/Meiji_Restoration)
3. [http://en.wikipedia.org/wiki/Observations\\_of\\_Japanese\\_modernization:%281868-1930%29](http://en.wikipedia.org/wiki/Observations_of_Japanese_modernization:%281868-1930%29)
4. <http://afe.easia.columbia.edu/japan/japanworkbook/modernhist/meiji.html>